امروز با مولانا

آب زلال من تویی بی تو بسر نمی شود

آن منی کجا روی بی تو بسر نمی شود







. ىحيط دور و بر هر كدام از ما بر زندگى و كار هايمان تأثیر زیدادی دارد. در فصل پاییز کارهای زیادی دارم که باید آنها را به سرانجام برسانیم در این مدت درباره اشعار پابلو نرودا کار می کنیم. انجام دادن این کار آنرژی زیادی از من می گیرد. بیشـــتر وقتــم را به کار کردن درباره این آثار اختصاص دادهام چراکه انجام دادنش برایم اهمیت دارد. در خلال وقت آزادم در دانشــگاه آدمهاهر روزمان راصرفُ كاُر، كارو كارمي كُنْ علتش تَجُمُع انبوهي أز زشتي هاست كه بر دنيا سايه افکندهاند،بنابراین مامجبوریم این کار راانجام دهیم. چراکه میخواهیم از فکر کردن به زشتی ها خلاص پرت سی خوسیهار حرط طرحی، رسستی، در امثال من شسویم، باید به این نکته توجه کنید کسه امثال من بی توجه به اطراف وموضوعات پیرامونی نیستیم، فقط خاطرمان از شنیدن اخبار بد مکدر شده است. اما این خبرهًا خُواهِي، نخواهي به سراغمان مي آيند، از آنها



مامجبوريم

اطلاع مىيابي دوری کنیم، از آنها خلاصی نداریم من هم مثل هر فرُددیگری باشنیدن این خبرهای بد،هیجان،انگیزه و تمام امیدم رااز دست می دهم به همین خاطر وقتی نست به قلم مى برم تامتنى را ترجمه كنم يا شعرى

م وماراناراحت مي كنند و هرچه از أنها



بنویسم این اخبار روی قلمم اثرات بدی دارد. هر اتفاق فارغ از این که ما شاهدش باشیم یا نه، بر ما آدمیان تاثير گذار است وقتى اخبار رسانه هااز محاصرهشدر ىر كوبانىبەأيننحوصح ... متنى رابنويسم اماشنيدن اين اخبار باعث شدد

کرات پ کسانی که در حوزههای هنری، ادبیات و نویسندگی کارمی کنندموقع بروز این اتفاقات از خودواکنشهای عمیق تری نشان می دهند دلیل این امر به ارتباط مستقیمی که آنها با محیط پیرامون دارند، مرتبط است. شعر در چنین شـرایطی به صورت معناداری نمود پیدا می کند. وقتی چنین اخباری را می شنوم شعرم به بهترین نحوخشم و در دحاصل از شنیدن این ر از ۱۰۰۰ ریس ر ۱۰۰۰ را افغانی از ۱۰۰۰ را انقاقات را بروز می دهد. ما آدمیان فارغ از شهر، کشور یا منطقه ای که در آن زندگی می کنیم ساکنان یک ی در برردی عی سیبر مدسان یک کشتی واحدیم، باآمدن موجهای کوچک و برز گهمه ما تکان می خوریم، همه ما تحت تأثیر قرار می گیریم. فرقی نمی کنند داخل یکی از اتاق ها باشیم یا روی ر می عرشه.ما آدمیان زنجیرهای به هم پیوسته ای هستیم که جابه جایی هر کدام مان بر موقعیت دیگران هم تأثیر می گذارد. گویی بایک سرنوشت جمعی مواجهیم." سرنوشت هر کدام از ماحکایت مشتر کی است از اقبال دیگری. ای کاش سایه اخبار شوم از سر دنیا و آدمیان

امروز به چی فکر می کنی

به نوشتن نرود بروز چنین اتفاقاتی در روزهای زندگی ب وسس برود.برور پسین سستی در روزسی رستی آدمها، باعث سردی خاطرشان می شود. این سردی روی چگونــه زندگی کردنمان هم تأثیــر می گذارد.

یک خبر ایک نگاه

3هزار سکته قلبی در تهران ظرف ۶ماه

جاه و جلال من تویی ملکت و مال من تویی

گاه سوی وفا روی گاه سوی جفا روی

براساس آخرین اعلام سازمان بهشتزهرا(س)، بلژیک و فرانســه حدود ۸درصد موارد سکتهقلب ایستقلبی با ۳۰۴۸ مورد فوتی از ابتدای فروردین سال جاری تا ۱۸ شـهریورماه، علت اصلی مرگ تهرانیهاست. از ابتدای امسال تا ۱۸ شهریورماه، مهرایی مست. از بینهای مست. ۲۰۱۰ مهریورماند ۲۹ نوزاد، ۱۶۸۷ مردو ۱۳۳۲ زن برا اثر ایستقلبی در تهران فوت کردهاند و سِل (مشکل دستگاه تنفسی) بافوت یکزن، کمترین علت فوتشهروندان تهرانی بود. ایستقلبی یا همان سکتهقلبی مهمترین

ر عامل مرگومیر تهرانی هاست، همین آمار می تواند ذهن هـــا را به این موضوع ســوق دهــد که ویژگی منحصربه فرد كلانشهرى مثل تهران نسبت به ساير شهرهاچیست که چنین آمار بالای سکته را در کمتر از ۶ ماه به خود اختصاص داده است. جست وجویی نباید در ساعات اوج ترافیک و شلوغی در ازدحام خودروهابمانید. گوتاه می تواند در علت یابی این مسأله کمک کننده باشد براساس تحقیقات دو گروه مورد مطالعه در

باتریت و در معرف ترافیک جودن است. براساس این ناشی از در معرف ترافیک جودن است. براساس این تحقیق فرقی نمی کند شـما رائنده وسیله نقلیه باشید یا مسافر آن، یا حتی دوچرخهسواری که در خیابان در لایه لای خودروها گیرافتادهاست. مطالعات متعددی در این زمینه انجام شده تا مشخص شود آلودگی هوای ناشی از ازدحام خودروها، استرس ماندن در ترافیک و دیر رسیدن به مقصدیا ترکیبی از این دو، عامل این حملههای قلبی است، با این که هنــوز دقیقا این مســأله ص نشده اما آنچه مشخص شده و بسیار هم بر آن تأکید شده این است که اگر سابقه مشکلات قلبی یا ریسکهای ابتلا به سکته قلبی دارید،



من نا آگاهم

کار قبلی امرا تعطیل کردم کار قبلی امرا تعطیل کردم

چون افرادی که بامن سر

مى كنم تمام افكار مرابايد

مسیر راسر صبر طراحی کنیم.من اشتباه خودم را می دانم اما باز هم

سی۔۔۔ مرتکب آنمیشوم

نيره توكلي



برایم جالب است که یک رسانه ایرانی دست به تولید ولین بَار چه زمانی این واژه مور داستفاده قرار گرفُت؟ وُلينَيْارُ يكي از خبرنگارانُ جنگ اين واژه رابه زَبانُ آورد. ر است داشت عملیات نظامی یکی از کشور ها را از سوی فرماندهانش مورد نقد قرار دهد به نظر شــما بهترین نوع خودانتقادی چیست و چه کسانی می توانند آن را به زبان بیاورند؟ کسانی که مسئولیتهای دولتی دارند یا کسانی که درباره زندگی، جان و مال مردم مسئول . هستند؟ کسانی که در ارگانها و سازمانهای بزرگ بر صندلیهای مدیریتی تکیه زدهاند؟ بهنظرم خود

میخواهم از خودم انتقاد کنم. زکل تجربه ها و پروژه هایی که باهمه هزينه هايي که کردم، برای انجام آنها زمان گذاشته ام و ، ۱ ۸درصدشان به هیچ کاری نیامد ر ۔ ۔ ۔ ۔ به عبـــارت بهتر بخش زیـــادی از تلاشهايمبدونرسيدنبهنتيجه - بران بهتر من در محاسباتم طلوب زميسن خسورد بهعنوان اشتباه فاحشی انجام داده بودم. هنوز که هنوز است فکر مثال من وجمعي از همكارانم سیدی هایی را تهیم کردیم و به آرشیتکتهای ساختمانی بروز دهم در حالی که شاید بهتر باشدگاهی اوقات نقشه ے تحویل دادیم. ہــدف این بود که این سیدی ها به دست کار آموزان یں کے حت برسدو آنهارا در مقوله آموزشی کمک کند. همه این بسته ها را بهصورت رایگانِ عرضـه کردم و امیدوار بودم تأثیرشــان را بر کار طراحان بگذارند. زمان زیادی

سپری شداماً دریغ از یک تأثیر

-ت.عملاهیچ بازتابی از این کار نگرفتم بعدا متوجه شدم هیچ کدام از بسته ها به د ر ۱۳۰۰ دانشـجویان طراحی نرسیده اسـت. هیچ کدام از آنها سی دی هارا به همکاران و کارآموزانشان نداده بودند. به عبارت بهتر هیچ کدام از آر شیت کت هاچشم دیدن چنین کاری رانداشتند. برای پیگیری موضوع به ملاقات همه آنهاً, فتُم. خواستم ببینم کار در چه مرحلهای قرار دارد. همه أنهادر پاسخ به من گفتند مگر مابيكار هس سىدىهاى تورابه زير دستهاى خودمان بدهيم وبازار كار خودمان راخراب كُنيم؟!

دلاورمردان ازجان گذشته دو دسته اند

دسته اول از جان خود می گذرند تا از جان و مال و حقوق شهروندان دیگردفاع کنند.

به توجه به تابلوی سیقتممنوع و حداکثر سرعت پا از روی پدال گاز برندارند ص**رفهجویی** در مصرفبرق وروشن کردن چراغ ها برای برخی دلاورمردان زمانی مهم می شود که وارد

کی نعی کر صرفهجویی زمانی است که قرار است تومبیل جلویی شما در بزرگراه ناگهان یا غیر ناگهانی

نغییر مسیر بدهد، در این صورت برای صرفه جویی در بصرف برق به هیچوجه زدن راهنما لازم نیست.

بهترین وبامزه ترین جای س**ور پر ایز شدن** مدخل نل است، وقتی راننده ای با **صرفه جویی** در وقت

ونلمىشوند.

په دُوم از جان شـهروندان ديگر مي گذرند تا

هر فکر و ایدمای که در ذهنم شـکل بگیردحتما آن را عملیاتی می کنــم، با همه هزینههایی کــه کردم، کار قبلی ام را تعطیل کردم چون افرادی که بامن سر و کار داشتند، نمی شناختم به بیان بهتر من در محاسباتم اشتباه فاحشی انجام داده بودم. هنوز که هنوز است فکر می کنم تمام افکار م را باید بروز دهم در حالی که شـاید هتر باشد گاهی اوقات نقشه مسیر را سر صبر طراحی كنيم، من اشتباه خودم را مى دانم اما باز هم مر تكب آن مى شوم. مى دانيدموضوع چيست؟ موضوع نا اگاهى من تُ من أن قدر ناأ كاهم كه از تجربيات پيشين استفاده نمی کنم. اشتباهات مکرری را انجام می دهم و به تبع آن زمین می خورم. جای تعجب آنجاست که بعد ر بلندشدن از زمین بدون پند گرفتن از شکستهای گذشته بازهم مرتکبهمان اشتباهات می شوماازسوی

دیگر پیشروی من تا آن حدبود که فرصت استفاده از

. آموختن نیـ

تجربیات دیگــران را هم به خود

تجامشان بزنيم، والاراهي براي

امو حیل بیشت. بعدارید سدی بزنم. چند وقت پیش دستگاهی

ر ۱۰ پ خریدم کـه بهعنـوان رابط بین لپتاپواسـکنر عمــل میکرد.

۲۵هزار تومیان بابت به دی

أوردنشَ هُزينه كــردم. وقتى

نانه رسسیدم، دیدم آن دسا

اصلا به لپتاپم نمی خورد. به نظرم اگر آن رابط را نخریده

، بودم، هیچوقت نمی فهمیدم چه دستگاهی مناسب لپتاپ من است اماالان این قضیه رامی دانم.

ایس را هم باید اضاف کنم که نقدی هم بر دیگران وجود

دارد. موضوع مربوط بـه بحران خشکسـالی و آب در ایــران

است. بحرانی که همه ما با آن ارتباط مستقیم داریم.

در این زمینه راهحل هایی ارایه شده است. برخی از در این زمینه راهحل هایی ارایه شده است. برخی از آقایان طرحهایی را پیشنهاد می دهند که اصلا امکان

عملياتى شدنشان وجودندار دبه عنوان مثال مى گويند، بايد ابرهار ابرور كنيم تا باران بيايد، به نظر من اين

حرف بیشتر از عُلمی پودن خُندهدار است. ما در گیر دغدغههای روزانه هستیم، دخل و خِرج هر کدام از ما به

سختى باهم جفت وجور مى شوند آن وقت مى خواهيم

ندادم به نظرم بسرای پند گرفتن از برخی اشتباهات باید دست به

ے دانید بن گترین مشکل من چیس

هنرمندان و سیاستمداران هستند. رفتارهای ایس افراد ریسر خرومین جاسه قرار دارد. بنابراین عمال خوبشان می تواند بهعنوان یک فعالیت الگوساز، مدنظر قرار بگیرد تا به حال دیدهاید بازیکنانی که در دوران ورزشیی بداخیلاق بودنید به مرور زمان فراموش میشوند؟ رارور بالعكس أنها، ورزشكاران خوش اخلاق كساني هستند ر س کے می توانند تا لحظے ای که زندہ اند عزیز باشند و حتی بعد ز مرگشان هم در اذهان بمانند. مُن بُهعنوان یکی از ورزشکاران کشورم وقتی وارد اجتماع شده

مىافتم كه بايد بهترين رفتار

همیشه سعی کردهام محبت و احترام نثار ودن در وضع خاصبی قبرار دارم. ناگفته نماند ر باره ای از برخوردها عصبانی شدم و رفتار خوبی از خودم نشان ندادم. بنابراین در این مورد باید از خودم انتقاد کنم. عملکر دم خالی از اشکال

ے د، به همین خاطے بار ها خودم را سے زنش

خاطر ہبازی

برايم گريه مي كردند



قُابِلَاتكايىهسّتند. نگاه ویژه تری دارند. این افراد معمولا ورزشــکاران،

و به اُنجــام کارهایم مشــغول میشــوم، مــدام به ایــن فکر

يده بودم.

بر حریفانم، به مرحله نیمهنهایی رسسیده ب بهقدری آماده بودم که اطمینان داشستم، ه طلای مسابقات را به دست خواهم آور د. در کمال ناباوری در مقابل حریف آذربایجانی ضربه شدم و مدال طلا از دستم خارج شــد. ورزشگاه ۱۲هزار نفــری آزادُی تا پیش از ســوت اَّغَاز مســابقه با تشویقهای یکدست مردم همراه بود. آنها با تمام ری ت در استرا به با نمام قوامرا تشویق می کردنداما یک لحظه کافی بود تا همه چیز تمام شود.

د چیر در بهت فرو رفت. رفتار مردم سرزمینم بعداز آن مسابقات برایم جالب وغیرقابل پیش بینی بود. آنها اصلاباخت مرا به رویم نیاوردند. می گفتند، تلاشهایت را دیدهایم و از تو ممنونیم. همه به من تُ می کُردنسد. خیلیها

محبت می ر اشک میریختند و می گفتند، باختت باورمان نمی شود. آنها در آن لحظات هم پشتیبان اطمينان داشتم،مدال طلاي من بودند. در فضای ســنگین شکســت، در هیاهوی هجوم تصویر شکســت و در روزهایی آورد. در کمال ناباوری در مقابل حريف آذربايجاني ضربه شدم ومدال طلااز نصویر ۔۔۔ که خاطــرات تلــخ مــدام در دستمخارجشد.ورزشگاه ۱۲هزارنفری آزادی تاپیش ازسوت آغازمسابقهبا ذهنم مرور می شد، هیچ کس مرا تنها نگذاشت. فضای به مر مهد وجود آمــده در آن شــرایط از تشویقهای یکدستمردم همراهبود. آنهابا تمامقوامرا منظر اجتماعي قابل طرح وبررســـی اســت.این اتفاق به من آموخت ارزشگـــذاری به تشویق می کردندامایک لحظه کافی بودتاهمه چیز ِ ں حانیازمندیک ص عوض مادی یا معنوی نیست. تمامشود

ر. نیازمند پشتیبانی و حمایت از یکدیگر هستیم. هرکدام از ما پر از اشتباه و نقص هستیم. هر روز هم اشتباهاتمان را تکرار می کنیم. مهم این ر ر کی ۱۹۰۰ کی است است که یکدیگر را بپذیریم، بدانیم که هر کسی می تواند اشتباه کند مهم آن است که برای یکدیگر راهیا: گشت رافراهم کنیم.

بادر بخشهاى مختلف جامعه

جامعه بایدافرادش رابسازد. در موضوعات اجتماعی می توانیم و باید پشتیبان هم باشیم. هیچ کسی در هیچ جایگاهی نبایـد به خود اجازه طــرد کردن و تحقير ديگرى رابدهد.

• هیسچگاه، هنسگام رانندگی، در محل خط کش

عابر پیاده و بهویژه محل عبور دانش آموزان، حق تقدم

ر بی کرری در بر سرک ... ممکن|ستجانعدهای رابهخطر بیندازید.چون عابران طفل معصوم ممکن|ستفکر کنندفر هنگ جامعه مدنی شده و تا بیاینداز خیابان بگذرند، راننده پشت سری یا

بغلی شما، کهاز حماقت وایست بی جای شماور قتقلب زنانه تان به شدت عصبانی است، آنهار ادرو کند.

• هیچگاه هنگام پیچیدن به دست راست یا دست چپ،طبق قوانین راهنمایی و رانندگی صدمتر مانده

به تقاطع، راهنمانزنید.این کار خیلی خطرناک است.

. راننده عقبی مسیر شهارا حدس می زند آن وقت، به محض این که می خواهید بهیچید، راننده عقبی با

رد شود و مسیر مستقیمش را ادامه بدهد. بیشتر تصادف هاناشی از همین پی احتیاطی هاست.

رفتارهایخطرناک:



که در خانه نیستند، سمارند

یاب پیتزبورگ رفته انداما آنچنان مراقب کارتهای زرد کوچک شان بودند که

گذاشــتند. آقای اسمیت

ے سمید مه این کارتھا خندماش

غلامرضا محمدى

دوران ورزشــی مــن مثــل همه ورزشــ بر از دوران تلخ و شیرین بیود. دوران حرفهای بر از عوری سی و مسیریی بسود. عوری عرف بی برفراز و نشسیبی را پشت سسر گذاشتم. دورانی که با قهسر، آشستی، مسدال آوری، افتخار آفرینی، سکوی قهرمانی، مصدومیت و همراه بود. با ین وجود برخی دستاور دها برای همیشه در دل ، حانم مَاندُگار شدند. آنها داشتههای ارزشمند و

بی --یی-سسد. تکتک ارزشهای بجا مانـده حاصل از فعالیت هر کدام از ما پیش برنده مناسبات اجتماعی هستند. مردم هر جامعهای به برخی از افراد جامعه خود

ر کرد. و خلاصه شهرت، زیباو دلربااست امامن می خواهم درباره ابعادمسئولیت زای این شهرت صحبت کنم. هموطنانم كنم. چراكهُ ميدانم بهخاطر مُعروفُ

دارد– آنها را همراه با اجاره مچهها، قباله هـای از دواج و کارتھای شناسایی منق ر - ر کسف کفشهایشان با احتیاط در کسف کفشهایشان

خانهاش بهتراز خانه ديگران نبود

تونی موریسون|

همهشــان آقای اسمیت را میشناختند. ی است اوماهیی دوبار به خانه شان می آمد تا یک دلار و شصت و هشت سنت حق بيمه شــُان را جمع كند و تاریخ مراجعه به خانه شان ومبلغ هُشتاد و چهار سنت بدهی دو هفتگی شان را روی کارت زردی بنویسد. پرداختشان هماواره دوهفته ای عقب می افتاد وهمیشه قول می دادند

وقتی ہے بلیس برای

حضور در صحنه حبر دادند. حاضران کمی نگران شدند.

که پرداختهایشان از این به بعد عقب نیفتد. به هر حال، این قول و قرارها پـس از گفتوگوهای مقدماتي درباره اينكه دفعه بعدى كهبيايد أنهاجه ى ر.ر . مىكنندپيشمىآمد.

، ----پیس می گذاشتند. با او بد رفتاری نها سر به سرش می گذاشتند. با او بد رفتاری می گردند به بچه هاشان می گفتند به او بگوینًا

مستری میرس پردندید. وقت کارش لباس مخصوص کار می پوشید. اما خانماش بهتر از خانه دیگران نبود. هیچ گاه زنی به جز آنکه همهشان او را می شناختند نداشت و در کلیســا چیزی جز آمین که گهگاه بر زبانش در کلیســا چیزی جز آمین که گهگاه بر زبانش جارىمىشد-چيزىنمى گفت. - برشیاز «سرودسلیمان»

می گرفت، اما سـعی می کرد تقریبا تمام مدت چشم از پای مشتریهایشبرنگیرد.







اندر اخلاق جادههاي مدني

و برق ماشــین با چراغ خاموش از سمت مقابل شما سبقت گرفته و شما باید، هم به تاریکی تونل عادت كنيدوهم زنده بمانيد تابفهميد كه شايد تولدتانسور پرایزشدهاید.

مردهای عیروبال پیس بینی خیابی جدید، وضی که در مدخل خروجیهای بزر گراهاناگهان تصمیم می گیرنداز عقب وست چپشمایدون زدن راهنما بهیچند جلووسمت راست تان، خیلی سخت است که ماشین تان جذب ماشین آنهانشود!

شدہ که یا مُحـف تفریح رائندگــی می کنندیا بیکارنــد، بقیــه کار دارنــدو از ایــن لوس یازیهــا

مردهای غیرقابل پیشبینی خیلی جذابند، وقتی

تبصره: تابلوی سبقت ممنوع و تابلو حداکثر سرعت و ورودممنوع و خطکشی محل عبور عابرپیاده فقط برای کسانی خلق

خوشُشانِنمیآید. تولاییمیکشودر درهانداز! تاوقتیمی شود در بزرگراه هااز دست راست سبقت گرفت و لایی کشید و زهره کسانی را که در خط کندرویا تندرو حرکت می کنند بالا آوردیا آنها را پرت

عبورشماباقیماندهباشد؟ ۲-تابه حال شده که به آقایی که ورودمم

تذکر بدهید که دست کم حق تقدم شما را رعایت کند، سپس در عرض چند جمله به شما تذکر ندهند که شما، بدون این که خودتان آگاه باشید، از جاده عفاف خارج شده بودهاید و آن کارهاید و لازم اس نکته راباصدای بلند به شماتذ کر بدهند؟

مزیُتشانهٔخاکی: شــانهخاکیرا بــرایایندره محض بسته شدن راه، رانندگان جدی و دارای کارهای مهم بزنند به اُن وُ به ریش اَقایان بچه

ـ و هم المحتود . ۱- تابه حال شـده که با کالسـکه بچـه یا عصای زير بغل مجبور باشيداز روى يل رابط پياده روو خيابان عبور کنید و راننده ماهری طوری پارک نکرده باشد که حتی یک سانت از جلوو عقب ماشینش راهی برای

كردبه اين طرف و آن طرف، مگر آدم مرض دار دراهنما بزندوازدستچپسبقتبگیرد؟ وگیسخانمهایبیجربزهبخند